

پرونده

پرونده ای پسومی پلورالیسم نجات

فراان فراوانی وجود دارند دال بر اینکه انسانها به نحو اجتناب ناپذیری دینی هستند. قبایل بدوی و ماقبل تاریخی سوانق دینی خود را در قالب اصطل حاکی از جاندار پنداشتن طبیعت و توتم پرستی نشان می دادند. از فجر تمدن، ادیان فراوانی پدید آمده اند و هر کدام به نحو بسیار پیچیده ای توسعه و تکامل یافته اند. به عنوان مثال، ادیان جهانی پیشرفته تر مفهوم حقیقت مایی را تا حد زیادی معقول و پیچیده کرده اند؛ این حقیقت نزد یهودیان «یهوه» است، نزد مسیحیان «خدای متجلی در تثلیث» است، از نظر مسلمانان «الله» است، نزد هندوها «شیوا» یا «ویشنو» است و از نظر تر اولاد بودیستها «نیروانا» است. حتی کسانی که برای انگار خدا انرژی فراوانی صرف می کنند، به نحو خاصی بر تاثیر عمیق خداوند بر زندگی بشر گواهی می دهند.

به هر تقدیر، آنچه در بخش پرونده می آید انعکاسی از این کثرت و تنوع است.

گزارشی از روند شکل‌گیری گفت‌وگو
کثرت‌گرایی دینی در نزد نواندیشان دینی

دین اندیشان متجدد کثرت‌گرا

✓ شکیبا رضایی



می‌کنند. نهادها و تشکلهای مدنی بر اختیار، استقلال فردی و گروهی، گفت‌وگو، مفاهیم، تعامل، رقابت و همبستگی مبتنا دارند و از این جهت مصالح فرد و گروه را تضمین می‌کنند. نقش تأسیسی جامعه مدنی نیز فقط به جوامع سرمایه‌داری و توسعه یافته محدود نمی‌شود؛ درست است که مدنیت محصول یک جریان تاریخی رشد تشکلهای و نهادهاست، ولی این محصول صرفاً از یک جریان خاص نوسازی اقتصادی-اجتماعی ناشی نمی‌شود.

بر همین اساس ما برای بررسی نسبت نوگرایی دینی و جامعه دینی باید به قرائت مجدد آن دسته از مباحث و آرای نوگرایان دینی بپردازیم که به مباحثی مثل مصلحت عمومی، قرارداد، حاکمیت قانون، حقوق، آزادی‌ها و مسئولیتهای مدنی، بنیاد و مبنای ارزشها، افکار عمومی، مدیریت اختلاف، پنهانکاری و شفافیت، قواعد بازی و اصولاً مباحث جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی حقوقی پرداخته‌اند. تاکنون عمدتاً مفاهیمی مثل دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی، توسعه، اخلاق، حقوق بشر و حقوق زنان که عمدتاً جنبه ارزشی دارند در آثار نوگرایان دینی باز قرائت شده‌اند که این عمدتاً به برنامه «تدوین ایدئولوژی» در مباحث آنها مربوط می‌شود.

روش‌فکران دینی و شکل‌گیری جامعه مدنی

مهمترین سؤالاتی که در بحث از نسبت نواندیشان دینی و جامعه مدنی قابل طرح هستند عبارتند از اینکه: آیا نواندیشان دینی به شکل‌گیری جامعه مدنی کمک کرده یا می‌کنند یا به تضعیف آن؟ آیا تقویت وجوه اجتماعی دین ضرورتاً به تقویت جامعه مدنی می‌انجامد؟ باورهای دینی چه رابطه‌ای با نهادها و تشکلهای جامعه مدنی دارند؟ نواندیشان دینی به تقویت دولت در برابر جامعه مدنی کمک کرده‌اند یا به تقویت جامعه مدنی در برابر دولت؟ نواندیشان دینی چه نقشی در شکل‌گیری،

این سه برنامه را به دوره‌های تاریخی خاصی نسبت داده، بلکه هر سه برنامه در افکار و ایده‌های نوگرایان اعم از متقدمین مثل سیدجمال، کواکبی، عبده و اقبال و متأخرین مثل شریعتی، بازرگان و مطهری به چشم می‌خورد. ولی می‌توان هر برنامه را در آثار برخی از این نوگرایان پررنگ‌تر دید. سیدجمال، اقبال، شریعتی، بازرگان و مطهری در برنامه بیداری مؤثرتر واقع شده‌اند. آنان در برنامه بیداری به استبداد، استعمار، تفرقه، عقاید خرافی و جهل توجه داشته‌اند. شریعتی و عبده در برنامه تدوین ایدئولوژی مؤثرتر از بقیه بوده‌اند؛ شریعتی در عرضه طرح هندسی از مذهب و عبده در عرضه ابداعات فقهی، فقه مقارن، ایجاد نظام حقوقی جدید در فقه و تمایز میان عبادات و معاملات، تساوی اجماع با افکار عمومی، تساوی شورا و دموکراسی و تقدم آموزش دینی بر آموزش و تربیت سیاسی، بازرگان و شریعتی در برنامه تأسیس نیز بیش از بقیه حرفهایی داشته‌اند؛ شریعتی در ارائه طرح امت و امامت، و بازرگان در طرح حکومت دموکراتیک دینی.

ناگفته پیداست که در این میان توجه به آرای عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری و مصطفی ملکیان نیز بسیار ضروری است. کسانی که هر یک به سهم خود جریان نواندیشی دینی را مرحله‌ای به پیش بردند.

نوگرایی دینی و جامعه مدنی

بحث از نسبت نوگرایی دینی و جامعه مدنی مستقیماً به برنامه «تأسیس» مربوط می‌شود، زیرا جامعه مدنی، مفهومی سلبی و منفی نیست؛ چیزی را نفی نمی‌کند، بلکه در پی استقرار نهادها و تشکلهایی است که میان دولت و خانواده قرار می‌گیرند. فواید اجتماعی، گستره متنوع و پراکنده حیات جمعی و ساز و کارهای اجتماعی را باز تولید می‌کنند، مقوم همکاری و فعالیت جمعی هستند، تکثر آفرینند و حاکمیت قانون را تسهیل

اشاره:

به طور کلی، «پلورالیسم» دست کم متضمن سه مدعای مهم است:

مدعای اول: در عالم واقع تنوع و تکثری بالقوه وجود دارد.

مدعای دوم: این تنوع و تکثر را نمی‌توان به وحدتی فروکاست.

مدعای سوم: این تنوع و تکثر عقلاً مجاز است و لذا باید آن را به رسمیت شناخت.

بحث درباره «پلورالیسم دینی» دست کم در سه سطح مطرح می‌شود: تجربه دینی، اعتقادات دینی و اعمال و مناسک دینی.

در این نوشتار خواهم کوشید با نیم‌نگاهی به بحث جامعه مدنی که عنصر مقوم پلورالیسم است، گزارشی از روند شکل‌گیری گفت‌وگو کثرت‌گرایی دینی در نزد نواندیشان دینی ارائه کنم.

مقدمه

جریان نوگرایی دینی در جهان اسلام اعم از احیاءگری دین، احیاءگری فکر دینی، اصلاح‌گرایی یا نهضت دینی، با رهیافتهای بازگشتی، مدنی یا موعودگرایانه تحولات بی‌شماری را در صد سال اخیر پشت سر گذاشته است. نوگرایان دینی در این دوره سه برنامه مشخص را دنبال کرده‌اند: بیداری، تدوین ایدئولوژی و تأسیس. هدف از این سه برنامه به ترتیب، بیدار کردن مسلمانان از خواب غفلت چند ساله و متوقف کردن جریان انحطاط جوامع اسلامی، مبارزه با استعمار، استبداد و استعمار و استقرار جامعه‌ای با حکومت دینی و حاکمیت ارزشها و دستورات دینی بوده است. نمی‌توان



مطهری



بازرگان



شریعتی

اصلاح یا تقویت نهادها و تشکلهای دینی داشته اند؟ آیا نواندیشان دینی را می توان محصول بسط مدنیت در کنار ضعف نهادهای مدنی در ایران دانست؟ کدام یک از تعبیر مورد تأکید نواندیشان دینی (مثل تمهد، اختیار، انجمن و...) را می توان در برابر مفاهیم بنیادی جامعه مدنی (مثل مسئولیت، اراده، تشکل و...) نهاد؟

نقاط پیوند نواندیشان دینی و جامعه مدنی

نواندیشان دینی به نهادها و گروههای مستقل از دولت توجه ویژه ای داشته اند. شریعتی بر روشنفکران مذهبی و مطهری بر روحانیت تأکید دارد. روشنفکران مذهبی و روحانیت برای آنها گروهی جهت هدایت جامعه و حفظ هویت دینی جامعه هستند. هر دو گروه آن چنان که از مباحث شریعتی و مطهری بر می آید، مستقل از دولت تلقی می شوند و عضویت در آنها داوطلبانه و ارادی است. مطهری معتقد بود روحانیت

حتی در چارچوب حکومت اسلامی باید استقلال خود را حفظ کند و اعضای آن در دستگاه های دولتی و غیر دولتی عضو نشوند. شریعتی اصولاً به یک نهاد تخصصی به عنوان عالمان و مبلغان دین اعتقاد ندارد، ولی برای انجام این کار، گروه دیگری را بر جای آنها می نشاند. این گروه ویژگی صنفی ندارند، ولی می توانند به یک تشکل مدنی مبدل شود. این گروه که ایدئولوژی شاخصه آنهاست، روشنفکرانند؛ روشنفکران مسئول و مذهبی. نقطه پیوند دیگر میان نواندیشان دینی و جامعه مدنی، تأیید مبانی جامعه مدنی از منظر دینی است. این نکته را در آثار بازرگان می توان مشاهده کرد. بازرگان با طرح بحثی با عنوان «جامعه، شاگرد قدیم دین و رقیب جدید آن» وارد این بحث می شود. او معتقد است تأسیسات اجتماعی و مدنی به عنوان نتایج مسیری که بشر پیموده است، در نهایت علی رغم طی کردن مسیر در جهت عکس راه انبیا، به مقصد آن راه می رسد. او همه مبانی بحث جامعه مدنی مثل حقوق مدنی و وظایف اجتماعی، اخلاق مدنی، فراتر رفتن تشکلهای آن از خانواده و اختیار و اراده را در نهایت به تأیید دینی می رساند. بازرگان با تأیید دستاوردهای بشری در حوزه زندگی اجتماعی، آنها را در نهایت با دین پیوند می دهد. تصور بازرگان از جامعه تقریباً همان جامعه مدنی با وظایف، مسئولیتها و تأسیسات مربوطه آن است، ولی باید به نحوی این پدیده را دینی کند تا مقبول طبع دینداران واقع شود. روش او، به مانند کار اکثر نواندیشان دینی، «خودی کردن» است.

نقاط گسست نو اندیشان دینی و جامعه مدنی

به نظر می رسد نخستین نقطه گسست، عدم توجه برخی از نوگرایان به حقوق مدنی است. آن دسته از نوگرایان که از نظام سنتی آموزش دینی برآمده اند یا به نحو ایدئولوژیک به دین نگاه می کنند، نمی توانند حقوق مدنی افراد را به رسمیت بشناسند، زیرا گروه اول در چارچوب نگاه فقهی و تکلیفی به انسان، بسیاری از این حقوق را که از متن فقه برنیامده اند به رسمیت نمی شناسند. گروه دوم نیز با تقسیم انسانها به خودی / بیگانه، انقلابی / ارتجاعی، مبارز / غیر مبارز و مانند آنها تنها حقوق مدنی را برای طرف اول به رسمیت می شناسند. مطهری به دلیل نگاه فقهی خود - در کنار نظرگاه کلامی، به وجوه حقوقی نیز توجه دارد. وی به تلازم حق و تکلیف و رعایت حقوق فردی اشاره دارد. دومین نقطه گسست، تقویت جامعه توده وار توسط نواندیشان دینی است. گذاشتن دموکراسی توده وار یا مستقیم یا دموکراسی هدایت شده به جای دموکراسی نمایندگی و مشارکت عموم افراد در تصمیم گیری ها و تعهد ایدئولوژیک به جای مسئولیت اجتماعی، جامعه توده وار را تقویت می کند. شریعتی از این جهت بیشترین سهم را به خود اختصاص می دهد. او سه فاجعه را برای جوامع دینی بر می شمارد: فقر ایدئولوژی، تفرقه سیاسی و تضاد طبقاتی. ایدئولوژی برای شریعتی وسیله براندازی نظام حاکم است؛ تفرقه مانع از تجمع نیروها برای این امر و تضاد طبقاتی و نیز وسیله ای برای تقویت نظام سیاسی نامطلوب است.

سومین نقطه گسست محدود کردن مبارزات اجتماعی به مبارزه طبقاتی است. شریعتی جامعه را در دو برش عرضی و طولی به ترتیب به طبقات حاکم و محکوم و طبقات اشراف، روحانیان، نظامیان، زمینداران، تجار شهری و دهقانان تقسیم می کند.

او بیشترین حملات را به سرمایه داری سنتی دارد. و چهارمین نقطه گسست تلاش برای همشکل کردن افراد و بر هم زدن تمایزهای اجتماعی و گروهی با شعار مبارزه با تفرقه و تلاش در جهت وحدت است. وحدت بر خلاف وفاق که از دل تکرر زاده می شود و متأخر بر آن است، مقدم بر تکرر است و تکرر را بر نمی تابد. «وحدت» متعلق به جامعه ای است که بر اساس تعارض شکل نگرفته است، بلکه مبنای شکل گیری آن روابط

تاکنون عمدتاً مفاهیمی مثل دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی، توسعه، اخلاق، حقوق بشر و حقوق زنان که عمدتاً جنبه ارزشی دارند در آثار نوگرایان دینی باز قرانت شده اند که این عمدتاً به برنامه «دوین ایدئولوژی» در مباحث آنها مربوط می شود

عاطفی و ناشی از باور یکسان، هم خوبی، زندگی در یک مکان مشترک یا روابط خویشاوندی است.

نواندیشان دینی و کثرت گرایی دینی

در اواخر سال ۱۳۷۴ بود که بارقه های بحث کثرت گرایی دینی در میان نواندیشان دینی فزونی گرفت. این مباحث بیشتر در نشریه کیان منتشر می شد و بیشتر حول نظرخواهی از عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری و مصطفی ملکیان می گشت. آنچه در پی می آید نگاهی است به آرای این سه تن در این باب.

روایت بومی از کثرت گرایی دینی

سروش معتقد است بسیاری از مردم صادقانه دیندارند ولی دینداری آنها با معیارهای بیروان دین یا حتی مذهبی دیگر مخدوش و نامعقول است. اگر دینداری اکثریت این مردم صادقانه و صمیمانه باشد، باید در مخدوش و نامعقول بودن دینداری آنها تردید کرد. سروش از این طریق به کثرت گرایی دینی می رسد و «صراط های مستقیم» را می نویسد:

«کثرت گرایی دینی نظریه ای است معرفت شناسانه و دین شناسانه در باب حق بودن ادیان و محق بودن دینداران و بر آن است که کثرتی که در عالم دین ورزی پدید آمده است و علی الظاهر نازدودنی و تارفتنی است، حادثه ای است طبیعی که از حق بودن کثیری از ادیان و محق بودن کثیری از دینداران پرده برمی دارد و مقتضای دستگاه ادراکی آدمیان و ساختار چند پهلوی واقعیت است و با هدایتگری خداوند و سعادت جوئی آدمیان ملازمست دارد.»

این کثرت گرایی هم درون دینی است و هم برون دینی. پلورالیسم دینی مبتنی بر تنوع فهم های آدمیان از متون دینی است. که لازمه نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت است. و پلورالیسم برون دینی مبتنی بر تنوع تفسیرهای ما از تجربه های دینی:

«آدمیان هم در مواجهه با کتاب های منزله و هم در مواجهه با امر متعالی محتاج تفسیرند و از متن صامت یا تجربه خام باید پرده برداری کنند و آنها را به صدا در آورند. این پرده برداری و اکتشاف یک شکل و شیوه ندارد و بی هیچ تکلفی، متنوع و متکثر می شود و همین است سر تولید و حیثیت پلورالیسم درون دینی و برون دینی.» در حقیقت سروش که پیش تر فهم ها و قرانت های

پذیرش دموکراسی باید مباحثهای جدیدی را در نظر داشت. همچنین او در این کتاب توجه جدی به مسائلی از جمله حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق اقلیت ها و... دارد که عموماً در پی موجه کردن کثرت گرایی دینی است. شبستری در آخرین اثر منتشر شده اش، «تأملاتی در قرائت انسانی از دین»، به مسائلی از جمله حق و تکلیف و قرائت حق مدار و نسبت دین با تجدد و هرمنوتیک متون دینی می پردازد. او معتقد است دین را از دو منظر می توان مطالعه کرد؛ از منظر خدا به انسان و از منظر انسان به خدا.

پلورالیسم نجات

اگرچه مصطفی ملکیان از دل حوزه برآمده و پرورش یافته اندیشه سنتی است اما طولی نکشد که از این مقام فاصله گرفت و به سیر در عالم روشنفکری پرداخت و رفته رفته به صورت تواندیش دینی و مصلح اجتماعی مطرح شد. اما او چندان در مقام روشنفکر دینی باقی نماند، رفته رفته به نقد این جریان نیز پرداخت و نظریه ای به نام پروژه عقلانیت و معنویت را در انداخت. او در باب تعبیر روشنفکری دینی می گوید: «من در چند موضع گفته ام که تعبیر روشنفکری دینی را نمی پسندم و دقیق نمی بینم، بلکه آن را حاوی نوعی تناقض و تناقض اجزاء می یابم زیرا روشنفکری... مقتضی تجددگرایی است و تجددگرایی با دینداری قابل جمع نیست.» ملکیان به مرور از نواندیشی دینی فاصله گرفته و برای روشنفکر اهمیت جدی قائل شده است. به نظر او نهاد روشنفکری دو کارکرد دارد: اول تقریر حقیقت و دوم تقلیل مرارت.

هم از این روست که می گوید: «اگر راهی به رهایی باشد جز در جمع و تلفیق عقلانیت و معنویت و ادای حق هر یک از این دو نیست.»

به نظر ملکیان همگی ما از سویی چه بخواهیم و چه نخواهیم مدرنیم و از سوی دیگر همگی کم و بیش متدینیم. ملکیان معتقد است:

۱) در معنویت تعبد به حداقل می رسد؛ ۲) در معنویت انتباه به حوادث تاریخی به حداقل می رسد، چرا که «اعتقاد به عدم قطعیت در تاریخ ظاهراً با دین ناسازگار است و لذا چاره ای جز این نیست که اتکای دین تا آنجا که ممکن است بر حوادث تاریخی کم می شود. معنویت دینی است که کمترین اتکاء بر حوادث تاریخی دارد. در معنویت حوادث تاریخی رکن اندیشه و سلوک دینی نیستند. ۳) معنویت نوعی اصالت دادن به تجربه های دینی و به اصطلاح نوعی تجربه گرایی دینی است؛ ۴) معنویت نوعی دیانت است که بار متافیزیکی اش به حداقل ممکن رسیده است؛ ۵) معنویت با برابری طلبی و قدسی نبودن اشخاص سازگار است؛ ۶) معنویت برای انسان است نه انسان برای معنویت. از این رو، معتقد است: «می توان دین را بر حسب کارکردی که دارد، یعنی تخفیف درد و رنج آدمیان از راه رفع یا توجیه محدودیت هایی که احساس می کنند تعدید حدود کرد.»

قائل شدن به این نقش دین که باید برای کاهش درد و رنج های آدمیان باشد، ملکیان را به این نکته رهنمون می شود: «من نه دل نگران سنت ام، نه دل نگران تجدد و نه دل نگران هیچ امر انتزاعی دیگری. من دل نگران همین انسانهای گوشت و پوست و استخوان داری هستم که می آیند و رنج می کشند و می روند.»

از این روست که می توان گفت، ملکیان حقیقتاً به پلورالیسم صدق معتقد نیست بلکه به «پلورالیسم نجات» اعتقاد دارد.

* منابع در دفتر مجله موجود است

این است که هیچ تفسیر رسمی و واحد از دین و لذا هیچ مرجع و مفسر رسمی از آن وجود ندارد.»

کثرت گرایی در زمینه فهم متون

محمد مجتهد شبستری به دلیل حضور چندین ساله در آلمان، تحت تأثیر فرهنگ آلمانی است و روش و نگرش او متأثر از فلسفه های وجودی و هرمنوتیکی از جمله فلسفه هانس گئورگ گادامر، و نیز به ویژه متالمان آن سنت و بنیانگذاران الهیات جدید از جمله شلایرماخر، کارل بارت، پل تیلیش و رودلف بولتمان. در سنت اسلامی هم او بیش از سروش به علوم متعارف اسلامی مثل کلام پرداخته و تربیت حوزوی اش نیز سبب شده مواجهه مستقیم تری با دروس رسمی حوزه از جمله فقه و اصول داشته باشد.

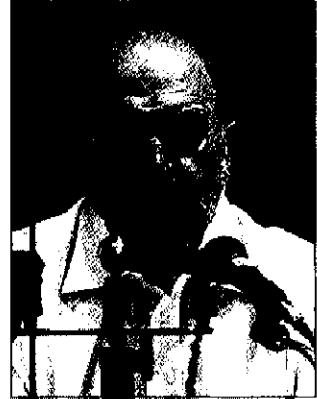
«هرمنوتیک، کتاب و سنت» که در سال ۱۳۷۵ منتشر شد، اولین کتاب شبستری در مقام روشنفکر دینی است. این کتاب دربرگیرنده مقالات اوست در تقریباً یک دهه قبل از انتشار کتاب، در باره فهم و تفسیر دین و نیز نواندیشی و بازسازی فکر دینی. در واقع کتاب دو بخش اصلی دارد: یکی درباره پیش فهم ها، علایق و انتظارات مفسران و وحی که در آن به فرایند فهم متون، نسبت وحی خدا و دانش بشر و بررسی مفروضات فقیهان و مفسران پرداخته می شود و دیگری ناظر به مسائل کلی تر است در حوزه نقد، اصلاح و بازسازی اندیشه دینی.

مسئله اصلی شبستری نیز مانند دیگر روشنفکران دینی مواجهه دین با تجدد است. شبستری می گوید برای خواننده فارسی زبان متدین توضیح دهد که هرمنوتیک چیست و مسائل و مباحث عمده آن کدامند و بدین ترتیب نشان دهد که آشنایی با هرمنوتیک برای تأملات دینی ضروری است و این آشنایی می تواند نسبت دینداران را با تفسیرهای مفسران از دین تغییر دهد. همچنین در این سالها، مسئله اصلی شبستری نسبت دین با سیاست و حکومت است و او در طرح مباحث هرمنوتیک فارغ از این دغدغه اجتماعی، سیاسی نیست. در «ایمان و آزادی» شبستری می گوید نشان اندیشه خود را بر مبانی جدیدی قرار دهد. فهم ایمان و افزودن آزادی های انسانی که لاجرم تکثرگرایی را نیز در پی دارد. در دو کتاب بعدی، یعنی «نقدی بر قرائت رسمی از دین» و «تأملاتی در قرائت انسانی از دین»، او می گوید

شریعتی سه فاجعه را برای جوامع دینی بر می شمارد: فقر ایدئولوژی، تفرقه سیاسی و تضاد طبقاتی. ایدئولوژی برای شریعتی وسیله براندازی نظام حاکم است؛ تفرقه مانع از تجمع نیروها برای این امر و تضاد طبقاتی و نیز وسیله ای برای تقویت نظام سیاسی نامطلوب است

توضیح دهد که «متون دینی را به گونه ای متفاوت می توان فهم و تفسیر کرد و... هر گونه قرائت دینی را می توان نقد کرد و... با نقد قرائت های متفاوت می توان قرائت قابل قبول از دین را انتخاب کرد.» او به منازعات سیاسی وارد می شود و جسورانه به نقد موردی آرای مدافعان قرائت رسمی می پردازد.

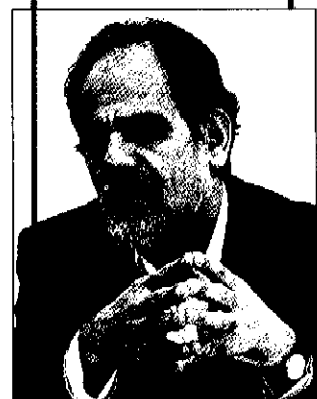
شبستری در این اثر بر این امر تأکید می ورزد که نفی پسوند دینی برای دموکراسی و بیان مردمسالاری دینی حقیقتاً مردمسالاری نیست بلکه فقط اسماً مردمسالاری است و درصدد نشان دادن این مطلب است که برای



عساکرم سروش



محمد مجتهد شبستری



مصطفی ملکیان

مختلف از دین را پذیرفته بود، نظریه اش را بسط می دهد و تجربه های دینی را هم به متن دین می افزاید. سروش پلورالیسم را حاصل ناخالصی هایی می داند که ناگزیر با دین همراه است:

«کثرت و تنوع، طبیعی و بشری و این جهانی و ناگزیر است... عالم عالم ناخالصی هاست... سر این ناخالصی هم بشری شدن دین است.»

هم از این روست که می توان گفت سروش در «صراط های مستقیم» روایتی فارسی از پلورالیسم دینی عرضه کرده که شاخص ترین نظریه پرداز آن جان هیک است. او به همراه کردن اندیشه های هیک با سخنان عرفانی مولانا کوشیده است روایتی بومی از کثرت گرایی دینی به دست دهد.

سروش از کثرت گرایی دینی نتیجه می گیرد: «پلورالیسم فهم متون دینی مدلول روشنی که دارد